



در روز ۲۲ بهمن ماه گذشته برگی از تاریخ ورق خورد و انقلاب پرشکوه و انسانی و اسلامی ایران، به چهلسالگی گام نهاد و روز و روزگاری جدید را نوید داد. چهل سال ملت سرفراز و مؤمن ایران از جان و مال خود مایه گذاشت و بهترین جوانان و فرزندان عزیز خود را برای استقلال و آزادی انسانی خود به قربانگاه فرستاد تا مگر این سرزمین بلا دیده و مصیبت کشیده روی امنیت و رفاه و عزت ببیند و بر مسند قدرت و پیروزی حق بر باطل بنشیند اما ضعف بینش و بصیرت گروهی عوام یا هواپرست از یکسو و توطئه و دسیسه سازی دشمن کینه توز خارجی از سوی دیگر، نگذاشت و سبب شد که با انتخاب خود قدرت حکومت را بیشتر ادوار به دست افراد یا جریانهای خائن و نادان بسپارد و سرنوشت خود و کشور را هر از چندگاه در دستان ناامن آنان قرار دهد و اینگونه بود که چهل سال پیاپی آسیبهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... بر پیکر ملت وارد گردید و هنوز هم ادامه دارد!

اما در تجربه گزیده شدن از یک سوراخ و در چهلسالگی این انقلاب باید که این بی بصیرتها و کژتابیهای برخی از افراد نا آگاه یا متعصب ملت به پایان برسد، کسانی که با رأی و انتخاب یا رسانه های خود آب به آسیاب دشمن میریزند و بخطا و از روی لجاج با اصل اسلامیت نظام

آتش به بخت خود و دیگران میزنند و سرنوشت جان و مال و ناموس خود و ملت را با انتخاب خود چند سالی در اختیار افراد خائن یا ناتوان یا فریخورده میسپارند و پس از ظهور آثار بدخواهیهای قدرتمداران و درک و دریافت زیانها و نابسامانیهای سلطه — بظاهر قانونی — آنها، بر سر خود میزنند و از سوء اقبال و بخت بد سخن میگویند.

بیشتر زیانهای بزرگی که به این ملت خورده ثمره خطای دید سیاسی و عوامانه یا مغرضانه عده‌یی و به روی کار آوردن نفوذی دشمنان با رأی گناه آلود خود بوده است. پس اولین گام در دوره دوم قوام این نظام، توجه و افزودن بر بصیرت سیاسی عامه مردم و گریز از سلطه نفوذی دشمن از طریق آراء عموم ملت است که مجلس شورای اسلامی و دولت را بر سرکار می آورد و خاک بر سر خود و ملت میکند.

اکنون مسلم شده است که بیشتر زیانهای سیاسی و اجتماعی که به این ملت وارد شده بسبب نفوذ عده‌یی احساسی بیمنطق و بیبصیرتی آنها در شناخت راه درست و سامانبخش و رفاه و عزت اسلام بوده است که در بیفرهنگی و نبود حکمت و نداشتن عقلانیت و محاسبه صحیح و تشخیص دوست از دشمن و درست از اشتباه بوده است. یکی از تأسفهای غم‌انگیزی که قرآن برای دوزخیان بر شمرده آنستکه میگویند ایکاش ما اهل تعقل یا شنودن سخنان رهبران خود بودیم و در آتش عقلگریزی خود نمیسوختیم: «وقالوا لو کنا نسمع اؤ نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر» (ملک / ۱۰)

حاصل آنکه گرچه گام دوم این انقلاب ابعادی گسترده دارد و باید در زمینه های دیگر اقتصادی و اجتماعی بنیانهای ویرانگر انقلاب نابود شود و مسئولین مقصر مجازات گردند و بنیان نوی بر خرابه بنیادهای پوسیده و خصمانه قدیم بنا شود اما مهمترین آنها سعی در گسترش بصیرت مردم و ترویج عقلانیت و حکمت و منطق و بالا بردن سطح فرهنگ سیاسی مردم است تا برگه رأی سرنوشت ساز آنان را دزدان سیاست از کفشان نربایند و سفاهت سیاسی این اقلیت اکثرنما به رشد و شعور بدل گردد و بلطف هدایت و توفیق الهی در دوران جدید، حکومت در دست دلسوزانی امین قرار گیرد و این ملت آسیدیده روی سامان بیند. انشا الله.